

زنان و حق طلاق و نحوه تنظیم دادخواست طلاق توسط زوج

مسن عرب

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان

زن خود با وجود قدرت بر آن استنکاف ورزد هرگاه زوج از پرداخت نفقه زوجه خود استنکاف کند، زوجه می‌تواند نفقه خود را طی دادخواستی به دادگاه صلاحیت‌دار از زوج مطالبه کند و دادگاه موظف است به درخواست زوجه رسیدگی کرده، در صورت اثبات ادعای او اقدام به صدور رأی بر محکومیت زوج به پرداخت نفقه کند. پس از قطعی شدن این حکم، اجرائیه طبق مقررات قانونی نسبت به مفاد حکم صادر می‌گردد. پس از ابلاغ اجرائیه هرگاه شوهر طوعاً آن را اجرا نکرد و امکان اجرای مفاد حکم وجود نداشت، زن مجدداً دادخواست دیگری به خواسته طلاق به دادگاه تقدیم می‌کند. دادگاه به این درخواست نیز رسیدگی کرده در صورت اثبات این موضوع که شوهر از دادن نفقه با وجود تمکن مالی امتناع می‌کند و الزامش به پرداخت آن ممکن نیست طبق ماده ۱۱۲۹ ق.م. شوهر را اجبار به طلاق می‌کند.

بنابراین، اگر زوجه طی دادخواستی، نفقه ایام گذشته را درخواست کند و دادگاه به محکومیت زوج حکم بدهد و شوهر قدرت پرداخت آن را نداشته باشد ولی قادر به پرداخت نفقه آینده زن باشد، زوجه نمی‌تواند از دادگاه درخواست کند که شوهر را به طلاق وادار کند؛

احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا». آنچه از این ماده مستفاد می‌شود آن است که زوج باید امکانات اولیه زندگی را از قبیل محل سکونت، معاش و لباس متناسب با شئونات زوجه فراهم کند و در صورت استنکاف زوج، زوجه می‌تواند طبق ماده ۱۱۱۱ ق.م. آن را مطالبه کند. ماده ۱۱۱۱ ق.م. می‌گوید: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه، به محکمه رجوع کند. در این صورت، محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». بنابراین، هرگاه محکمه زوج را به پرداخت نفقه محکوم کند و او از دادن آن خودداری ورزد و امکان اجرای حکم صادر شده و الزام زوج به پرداخت نفقه ممکن نباشد، زوجه می‌تواند به استناد ماده ۱۱۲۹ ق.م. درخواست طلاق کند.

ماده ۱۱۲۹ ق.م. اشعار می‌دارد: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌کند. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه». مستفاد از این ماده، زوجه در دو مورد اجبار زوج، طلاق را از دادگاه درخواست کند؛ ۱. در صورتی که شوهر از دادن نفقه آینده

طلاق از نظر لغوی به معنای رها شدن و در اصطلاح عبارت است از پایان دادن به نکاح دائم از طرف شوهر. قانون مدنی اختیار طلاق را به زوج داده و او را بدون هیچ قید و شرط مختار در طلاق زن دائمه خود کرده است و در ماده ۱۱۳۳ ق.م. می‌گوید: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد». از جمله ایراداتی که می‌توان به این ماده گرفت آن است که مقنن در این ماده حق انحلال و پایان دادن نکاح دائم را به طور مطلق و بدون ذکر علل یا علت خاص به شوهر داده و هیچ‌گونه توجهی به حقوق زن نکرده است، در صورتی که در بسیاری از مواد معین در قانون مدنی، زن نیز حق درخواست طلاق دارد. در این نوشتار مواردی که زوجه می‌تواند درخواست طلاق کند و نحوه تنظیم دادخواست توسط زوجه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

□ مواردی که زوجه حق درخواست طلاق دارد

الف) استنکاف زوج یا عدم قدرت او بر دادن نفقه زوجه

ماده ۱۱۰۷ ق.م. می‌گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا

زیرا نفقه ایام گذشته به صورت دین برعهده شوهر است و طلب ممتاز محسوب می‌گردد و زوجه نسبت به دیگر غرمای زوج در صورت افلاس و ورشکستگی وی برای دریافت این طلب حق تقدم دارد.

۲. در صورتی که شوهر عاجز از دادن نفقه آینده زن دائم خود باشد

در صورت عجز زوج از پرداخت نفقه آینده، زوجه می‌تواند به استناد قسمت اخیر ماده ۱۱۲۹ ق.م. که می‌گوید: «همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه» از دادگاه بخواهد که زوج را اجبار به طلاق کند. در این صورت، دادگاه موضوع را بررسی کرده، و در صورت اثبات این موضوع که شوهر توانایی پرداخت نفقه آینده زن خود را ندارد و ادامه زندگی با این وضعیت برای زن ایجاد زحمت می‌کند، شوهر را اجبار به طلاق خواهد کرد.

ب) درخواست طلاق زوجه به علت عسر و حرج

ماده ۱۱۳۰ ق.م. می‌گوید: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج باشد، زوجه می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود». یکی از ایراداتی که به این ماده وارد است، آن است که مصادیق عسر و حرج معین نشده و این امر موجب دشواری اثبات عسر و حرج از طرف محاکم شده است. ولی از این ماده مستفاد می‌شود که موارد موجب عسر و حرج زوجه عبارتند از:

الف) مواردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفای آن ممکن نباشد.

منظور از حقوق واجبه زن، نزدیکی جنسی است که در صورت ترک آن توسط شوهر، زن دچار مشکل می‌گردد و ادامه این وضعیت، بقای زناشویی را مختل می‌سازد. بنابراین، در صورت ادامه این حالت و عدم انجام وظایف

زناشویی از طرف شوهر، زن می‌تواند به استناد ماده ۱۱۳۰ ق.م. طی دادخواستی از دادگاه بخواهد که به علت عسر و حرج شوهر را اجبار به ایفای وظایف زناشویی کند. در صورتی که اجبار شوهر ممکن نباشد، زوجه دادخواست دیگری به خواسته طلاق تسلیم دادگاه می‌کند و از دادگاه می‌خواهد شوهر را اجبار به طلاق کند. دادگاه موظف است به موضوع رسیدگی کرده، پس از استماع دفاع شوهر و حاضر نشدن او به ایفای وظایف زناشویی، شوهر را اجبار به طلاق زوجه خود کند.

ب) سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن با او را غیرقابل تحمل سازد
این که چه امری سوء معاشرت است و در چه اندازه‌ای زن نمی‌تواند به زندگی زناشویی ادامه دهد بستگی به عرف دارد که این موارد با در نظر گرفتن وضعیت خانوادگی، روحی، اخلاقی و اجتماعی زوجین و همچنین

این که چه امری
سوء معاشرت است و در چه
اندازه‌ای زن نمی‌تواند به
زندگی زناشویی ادامه دهد
بستگی به عرف دارد که این
موارد با در نظر گرفتن
وضعیت خانوادگی، روحی،
اخلاقی و اجتماعی زوجین
و همچنین وضعیت
معیار از حیث زمان و
مکان تعیین می‌گردد

وضعیت محیط از حیث زمان و مکان تعیین می‌گردد. از جمله مواردی که می‌توانند سوء معاشرت شوهر قلمداد شود عبارتند از: اعتیاد مضر (از جمله به مواد مخدر)، شراپخواری و عریضه‌جویی، فحاشی و کتک کاری، ترک عمدی همسر توسط زوج از چند ماه تا چند سال. سوء معاشرت زوج به زوجه اجازه می‌دهد که طی دادخواستی از دادگاه اجبار شوهر به طلاق را درخواست کند. این سوء معاشرت باید به حدی باشد که زن نتواند آن را تحمل کند و ادامه زندگی زناشویی به آن وضعیت برای او ممکن نباشد. اگرچه بعضی از مصادیق سوء معاشرت زوج براحتمی قابل اثبات است، اما مواردی وجود دارد که به‌رغم اثبات چون، برای دادگاه موضوع احراز نمی‌شود، زن نمی‌تواند حکم دادگاه را به نفع خود تحصیل کند و طلاق بگیرد. بنابراین، بهتر است مقنن موارد سوء معاشرت شوهر و میزان آن را معین و از اطاله پرونده‌ها در دادگاه‌ها جلوگیری می‌کند.

ج) ابتلای شوهر به بیماری مسری و صعب‌العلاج.

یکی دیگر از موارد عسر و حرج زوجه مطابق ماده ۱۱۳۰ ق.م. صورتی است که به علت ابتلای شوهر به بیماری مسری و صعب‌العلاج، دوام زناشویی برای زن موجب مخاطره باشد. منظور از بیماری مسری و صعب‌العلاج آن بیماری است که در اثر معاشرت و همزیستی زوجین با یکدیگر و یا نزدیکی جنسی از شوهر به زن سرایت کند و او نیز مبتلا به این بیماری گردد. در این صورت، زن می‌تواند دادخواستی به خواسته طلاق به دادگاه تسلیم کند و دادگاه موظف است به درخواست رسیدگی کرده بعد از اثبات ادعای زن و تأیید پزشکی قانونی شوهر را اجبار به طلاق کند.

در خصوص بیان مصادیق عسر و حرج، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷۹/۴/۱۹ تبصره‌ای را به ماده ۱۱۳۰ ق.م. الحاق کرد که بر اساس آن مصادیق عسر و حرج

عبارتنداز:

۱. ترک عمدی همسر، توسط زوج به مدت شش ماه؛
۲. اعتیاد مضر؛
۳. استتکاف از پرداخت نفقه؛
۴. ابتلای زوج به امراض مسری صعب‌العلاج؛
۵. عقیم بودن زوج؛
۶. سوء رفتار و معاشرت؛
۷. اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت؛
۸. محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرائم مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه؛

۹. عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافعی با مصالح خانوادگی یا حیثیت زوجه باشد.

این مصوبه از سوی شورای محترم نگهبان رد شد و براساس قانون اساسی برای تعیین نظر نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال خواهد شد. در صورت تأیید این مصوبه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصادیق عسر و حرج معین و دشواری اثبات آن توسط محاکم دادگستری مرتفع خواهد شد.

در مواردی که دادگاه شوهر را اجبار به طلاق می‌کند در صورت امتناع زوج از حضور در دفترخانه و اجرای طلاق، دفتر مراتب را تأیید و به دادگاه مربوط اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوجه، زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور، با رعایت جهات شرعی، صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می‌کند.

ج) درخواست طلاق توسط زوجه در مورد غایب مفقودالایثر

ماده (۱۰۲۹) ق.م. می‌گوید: «هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالایثر باشد، زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند...». بر اساس این ماده، زن می‌تواند هرگاه شوهر او به مدت چهار سال غایب مفقودالایثر باشد از دادگاه درخواست طلاق کند. غایب

مفقودالایثر، کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و در مورد زنده یا مرده بودنش هیچ خبری در دست نباشد. در مورد این شخص، بعد از تسلیم دادخواست طلاق توسط زوجه، دادگاه به موضوع رسیدگی خواهد کرد. در صورت محرز بودن غیبت و مفقودالایثر بودن شوهر به مدت چهار سال، دادخواست زوجه طبق ماده ۱۰۲۳ ق.م. در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار در سه مرتبه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می‌شود تا اشخاصی که از غایب خبری دارند، اطلاعات خود را به اطلاع دادگاه برسانند. دادگاه پس از یک سال از تاریخ اولین آگهی به پرونده امر رسیدگی کرده، چنانچه در نتیجه رسیدگی حیات یا فوت غایب اثبات نشود یا هیچ‌گونه خبری به دادگاه نرسد، حکم طلاق زن غایب مفقودالایثر را صادر و نماینده‌ای به دفتر طلاق معرفی می‌کند تا زن را طلاق دهد. در این صورت، زوجه باید به دستور ماده ۱۱۵۶ ق.م. از تاریخ طلاق عده وفات نگهدارد که مطابق ماده ۱۱۵۴ ق.م. مدت آن، چهار ماه و ده روز است.

□ نحوه تنظیم دادخواست زوجه

طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است...» بنابراین، زوجه باید دادخواست خود را برای رسیدگی به دفتر دادگاه صلاحیتدار تقدیم کند. برای این کار زوجه باید ابتدا دو برگ فرم دادخواست را که به صورت چاپ شده در دفتر کارپردازی دادگستری موجود است، تهیه و دادخواست را به زبان فارسی دقیقاً تکمیل کند. برگ‌های این دادخواست باید حاوی مطالب زیر باشند:

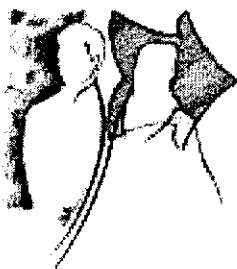
۱. مشخصات خواهان؛ خواهان (مدعی) کسی است که با تقدیم دادخواست، خواسته‌ای را مطالبه کند. در این دادخواست طلاق مشخصات خواهان باید توسط زوجه، شامل نام و نام خانوادگی، نام پدر، شغل و اقامتگاه او نوشته شود.
۲. مشخصات خوانده؛ خوانده

(مدعی علیه) کسی است که خواهان علیه او دعوایی را مطرح می‌کند که در این مورد، زوج است و از این رو باید مشخصات خوانده، شامل نام و نام خانوادگی، نام پدر، شغل و اقامتگاه او قید شود.

۳. تعیین میزانه و بهای آن؛ در قسمت خواسته زوج باید خواسته خود را درج کند و اگر خواسته‌اش از اموال باشد، باید میزان آن را به‌طور کامل معین کند چون ارزیابی خواسته در تعیین میزان هزینه دادرسی مؤثر است.

۴. شرح دادخواست؛ زوجه باید جهات و موجباتی را که موجب شده تا او طرح دعوی کند به‌طور واضح در دادخواست بنویسد و تمام دلایل و شواهد و مدارکی را که به استناد آن‌ها خود را ذی‌حق می‌داند، اعم از اسناد و نوشته‌جات و یا اطلاعات شهود و مطلعین و غیره را در دادخواست قید کند.

۵. زوجه باید اسنادی را که در قسمت مربوطه به شرح دادخواست به آن‌ها استناد می‌کند، در قسمت دلایل و منضمات دادخواست درج کند و از کلیه مدارک پیوستی دو نسخه فتوکپی تهیه کرده، آن‌ها را به دفتر کارپردازی دادگستری ببرد و بعد از الصاق تمبر و تصدیق آن‌ها با اصل مدارک و بعد از تعیین میزان هزینه دادرسی توسط حسابداری و آن، کلیه رونوشت‌ها را ضمیمه دادخواست کرده، به مدیر دفتر دادگاه تحویل دهد. مدیر دفتر دادگاه پس از وصول، تاریخ تقدیم دادخواست به دادگاه را در زیر دادخواست و در دفتر، ثبت و شماره آن را برای پیگیری پرونده به زوجه ارائه می‌دهد. تاریخ رسید دادخواست به دفتر دادگاه، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.





برگ در خواست دادگاه نخستین

خواهان: (مشخصات زوجه)
 خوانده: (مشخصات خواننده)
 تعیین خواسته: مطالبه نفقه ایام گذشته به مبلغ ریال و بدو صدور قرار تأمین
 دلایل و منضمات دادخواست: فتوکپی سند نکاحیه، فتوکپی شناسنامه، استشهادیه محلی
 ریاست محترم دادگاه عمومی
 سلام علیکم
 احتراماً به استحضار می‌رساند، برابر سند نکاحیه شماره خوانده همسر شرعی و قانونی اینجانب بوده و بدون دلیل موجه، بنده را بدون نفقه رها و از تأمین معاش و تهیه مسکن و مخارج اولیه زندگی امتناع کرده است، چون اینجانب حاضر به تمکین از زوج هستم و استشهادیه مرضی توسط عده‌ای از مطلعین نیز ضمیمه است، به استناد مواد ۱۱۰۶ و ۱۲۰۶ ق.م. تقاضای صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت نفقه را دارم. نسبت به عدم پرداخت نفقه مورد مطالبه بدو تقاضای صدور قرار تأمین و توقیف خواسته از اموال نامبرده، معادل مبلغ خواسته با احتساب خسارات مورد استدعا است.
 با تقدیم احترام / محل امضا



برگ در خواست دادگاه نخستین

خواهان: (مشخصات زوجه)
 خوانده: (مشخصات زوج)
 تعیین خواسته: تقاضای صدور حکم مبنی بر تعیین مسکن مستقل و پرداخت نفقه
 دلایل و منضمات دادخواست: فتوکپی سند نکاحیه، فتوکپی شناسنامه، فتوکپی استشهادیه
 ریاست محترم دادگاه عمومی
 سلام علیکم
 احتراماً به استحضار می‌رساند، اینجانب به موجب عقدنامه شماره به تاریخ به عقد دائم خوانده درآمده‌ام و تا تاریخ در منزل پدری ایشان به همراه خانواده وی زندگی می‌کرده‌ام. اما متأسفانه ایشان اخیراً مشکلاتی برایم به پارآورده که منجر به اختلافات شدید و ایراد ضرب و جرح بنده گردیده است که استشهادیه پیوست نیز مؤید این امر است. علی هذا با توجه به این که وجود اینجانب با همسر در یک منزل متضمن خوف ضرر جانی برای من است و امکان سکونت در منزل پدرم برایم وجود ندارد، بنابراین، مستنداً به ۱۱۱۵ ق.م. استدعای صدور حکم علیه خوانده مبنی بر تهیه مسکن علی حده به اضافه نفقه با احتساب خسارات قانونی مورد استدعا است.
 با تقدیم احترام / محل امضا



برگ در خواست دادگاه نخستین

خواهان: (مشخصات زوجه)
 خوانده: (مشخصات زوج)
 تعیین خواسته: تقاضای صدور حکم طلاق به لحاظ مفقودالاثر بودن خوانده
 دلایل و منضمات دادخواست: فتوکپی سند نکاحیه، فتوکپی شناسنامه، استشهادیه محلی
 ریاست محترم دادگاه عمومی
 سلام علیکم
 احتراماً به استحضار می‌رساند، برابر سند نکاحیه شماره صادره از دفتر ازدواج شماره کرج، خوانده همسر شرعی و قانونی اینجانب بوده و برابر استشهادیه محلی که عده‌ای از مطلعین آن را تأیید و امضا کرده‌اند، در تاریخ در جاده تهران - کرج مفقود گردیده و در این مدت هیچ گونه اثری از مشارالیه به دست نیامده است. علی هذا، با تقدیم این دادخواست، مستنداً به ۱۰۲۹ ق.م. تقاضای رسیدگی و صدور حکم (در مورد خواسته بالا مورد استدعا است).
 با تقدیم احترام / محل امضا



برگ در خواست دادگاه نخستین

خواهان: (مشخصات زوجه)
 خوانده: (مشخصات زوج)
 تعیین خواسته: صدور گواهی عدم امکان سازش برای اجرای طلاق به لحاظ سوء معاشرت خوانده
 دلایل و منضمات دادخواست: فتوکپی سند نکاحیه، فتوکپی شناسنامه، فتوکپی استشهادیه
 ریاست محترم دادگاه عمومی
 سلام علیکم
 احتراماً به استحضار می‌رساند، اینجانب برابر سند نکاحیه به تاریخ به عقد دائم خوانده درآمده‌ام. اما خوانده شش ماه است زندگی مشترک را ترک کرده و برابر استشهادیه پیوست از پرداخت نفقه خودداری می‌کند و نیز سوء رفتار شدید دارد و زندگی مشترک را غیر قابل تحمل کرده که در این خصوص پرونده‌ای تحت کلاس در شعبه راجع به ایراد ضرب و شتم و فحاشی توسط مشارالیه نیز مفتوح است. لذا، صدور حکم طلاق به استناد مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ ق.م. با احتساب خسارات قانونی مورد استدعا است.
 با تقدیم احترام / محل امضا